

یادداشت

آخرین نمایشنامه مارتین مک دونا

نقبی بر روح استعمارگرای قرن نوزدهم اروپا



علیرضا زاده رضایی

روزنامه نگار

مارتین مک دونا، نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویس و فیلمساز ایرلندی-بریتانیایی است که به عنوان یکی از مهم‌ترین نمایشنامه‌نویسان زنده ایرلندی شناخته می‌شود. مک دونا ۲۷ ساله بود که توانست پس از شکست دومین کسی باشد که همزمان چهار نمایشنامه‌اش در سالن‌های تئاتر لندن روی صحنه رفته است. آثار او در ایران در حوزه تئاتر و همچنین در حوزه سینما شناخته شده و مورد توجه علاقه‌مندان این حوزه قرار گرفته است. نمایشنامه‌های او توسط افرادی چون حسن معجونی، محمد یعقوبی، همایون غنی‌زاده، علی سربابی و... روی صحنه رفته است.

تازترین اثر او با عنوان «یک ماجرای خیلی خیلی سیاه» توسط نشر بیگل و با ترجمه بهرنگ رحبی به چاپ رسیده و مانند دیگر آثار او مورد توجه طرفداران و دوستداران تئاتر قرار گرفته است. او در این اثر نیز مانند دیگر آثارش با همان شیوه روایی کلاسیک با ساختاری رئال و ملموس به بسط روایتش پرداخته، با این تفاوت که دو شخصیت هانس کریستین آندرسن و چارلز دیکنز-نویسندگان مطرح جهان- نیز در این اثر حضور دارند، و مک دونا شخصیت آنان را افرادی خبیث، بی‌رحم و سودجو معرفی می‌کند که برای عرضه آثار خود از نوشته‌های او زن کوتوله سیاه‌پوست کتگویی استفاده می‌کنند.

مک دونا در این اثر همچون دیگر آثارش از کمدی تلخ (گروتسک) همراه با خشونتی اغراق‌آمیز بهره می‌گیرد و این امر در موقعیت‌ها و شخصیت‌های او جریان دارد. همان‌طور که در اثر شاهدیم عناصری با هم تصادم یا امتزاج می‌یابند که حاصلش مجموعه درهم‌ورهمی از زمختی، غریب و تمسخر می‌شود که تأثیری غریب و غم‌انگیز باقی می‌گذارد. موقعیت‌هایی که مک دونا در اثرش می‌سازد، کمیک است (مانند لحظه مواجهه آندرسن با خانواده دیکنز) اما این درحالی است که شخصیت‌های آن سرنوشتی غم‌بار و تراژیک را تجربه می‌کنند، همان‌طور که فریدریش دورنمات نیز برای نشان دادن وضعیت دردناک انسان در جهان مدرن و پرهرج‌موج امروزی، کمدی را توصیه می‌کند، البته آن نوع از کمدی که تلخ و گزنده باشد. دورنمات برای نیل به چنین هدفی کمدی تلخ را به عنوان مناسب‌ترین راهکار ارائه می‌دهد، همان کاری که مک دونا به شکلی اغراق‌آمیز، بی‌پرده و مملو از خشونت انجام می‌دهد.

شخصیت‌ها و موقعیت‌هایی که مارتین مک دونا در این اثر می‌سازد در واقع نقبی است بر روح استعمارگرای قرن نوزدهم اروپا. آندرسن و دیکنز دوزن کوتوله سیاه‌پوست کتگویی را در خانه محبوس کرده‌اند و نوشته‌های آنان را آثار خود معرفی می‌کنند؛ به همان شکلی که پادشاه بلژیک، کشور کتگور را به استعمار و استثمار گرفته بود. «یک ماجرای خیلی خیلی سیاه» نقد و اشمزاز صریح از دوره‌ای در تاریخ اروپاست از زبان نویسندگانی قدرتمند. همان‌گونه که در بخشی از اثر از زبان مارجوری (زن کوتوله کتگویی) می‌خوانیم:

«یه‌روزی می‌رسه که هیچ‌شاه و ملکه‌ای نباشه. اون زمان هم آدم‌ها باز، اون قدری که باید، همدیگه رو دوست ندارند و این قضیه چیزی رو حل نمی‌کنه، ولی دست کم اون زمان دیگه کثافت‌های کمتری تو دنیا هستن که ما باید بابت زندگی شون پول کلون بدیم.»



رضا کریمی

دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی

و ایوب در قرآن و تورات، مساله مجادله با خدا را از «ویژگی‌های ابراهیم» و «نشانه ایمان» دانسته و گفته است: «می‌توان با خدا احتجاج کرد و در کتاب روزنامه به او اعتراض کرد، چه برسد به اعتراض به حکومت دینی.» (۱) گفتنی است پیش از این ابوالقاسم فیاضی در یک گفت‌وگوی اینترنتی به مناسبت تحلیل قصه ابراهیم (ع) با اشاره به آیه جدال ابراهیم برای بیان چانه‌زنی اخلاقی با خدا در قرآن پرداخته و گفته بود: «ابراهیم در جایی با خداوند وارد مجادله می‌شود؛ یعنی دستوری را که خداوند در مورد عذاب قوم لوط صادر کرده به چالش می‌کشد و با خدا وارد گفت‌وگو و چانه‌زنی می‌شود و به یک معنا به خدا اعتراض می‌کند. جالب این است که خداوند نیز پس از نقل داستان مجادله ابراهیم با او، اصلاً به خاطر این کار، ابراهیم (ع) را مذمت و توبیخ نمی‌کند و نمی‌گوید که ایمان تو ضعیف است یا توبه من اهانت و بی‌احترامی کردی، بلکه کار او و خود او را تحسین می‌کند و در ستایش او می‌فرماید: بی‌گمان ابراهیم بردبار، نرم‌خو و توبه‌کار بود؛ آن ابراهیم لَحْلِیمِ آوَاهُ مُنِیبٌ...» (۲)

منظور فیاضی از محاکمه خدا، پاسخگو دانستن او در مساله عدالت و اخلاق است. او سخن خود را با استناد به یک آیه قرآن در مورد جدال ابراهیم پیش می‌برد. اکنون سوال این است که چگونه شه‌سوار ایمان و تسلیم (به قول کی‌یرکه‌گور)، با خدا مجادله می‌کند؟ و منظور از مجادله خلیل‌الله با خدا چیست؟ و چرا خدا این مجادله را مذموم نمی‌داند؟

۱. گام اول این است که تسلیم ابراهیم در قصه ذبح فرزندش توجیه شود. سرورش به پیروی از ابن عربی می‌گوید ابراهیم خواش را درست تعبیر نکرد و رویایش را تصدیق کرد. ابن عربی در فصوص الحکم می‌گوید تعبیر «قد صدقت الرویا» با «صدقت فی الرویا» فرق دارد و ابراهیم ظاهر رویایش را باور کرد. اکنون فرصت تحلیل مبسوط این ماجرا که در بحث دین و اخلاق مطرح می‌شود نیست، اما اجمالاً باید گفت ابن عربی در قصه ذبح اسحق / اسماعیل خطاب خداوند به ابراهیم: «قَدْ صَدَّقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (صافات ۱۰۵)» را اینگونه معنا می‌کند که تو رویایت را تصدیق کردی. در حالی که باید آن را تعبیر می‌کردی و ما به ذبح فرزندت دستور ندادیم. ابن تأویل ابن عربی یک‌طرفه و تحسین ابراهیم از جانب خداوند در طرف دیگر باید مدنظر باشد، چرا که در ادامه آیه مذکور است که خداوند او را از محسنین شمرده و پاداش داد. پس نتیجه روشنفکرانه از تحلیل ابن عربی غلط است و تسلیم ابراهیم ارزشمند و ممدوح است و «خطای تفسیر امر اخلاقی» صورت نگرفته است، بلکه دو راه مواجهه با این رأی ابن عربی داریم: یا باید تفسیرش را به خاطر مخالفت با قرآن رد کرد یا پذیرفت.

در صورت پذیرش نیز می‌توان گفت تأویل اصلی رویای ابراهیم، ذبح عظیم، ذبح فرزند اسماعیل، امام حسین (ع) بوده و البته ظاهر وحی انبیاء هم حجت است و تصدیق و تسلیم او تحسین می‌شود، ولی به فرض صحت قول ابن عربی، ابراهیم (ع) به خواب دید که باید فرزندش را ذبح کند و نباید فقط ظاهر خوابش را تصدیق می‌کرد، بلکه تصدیق ظاهر و تسلیم او نیز امریست توحیدی. پس این ترتیب توجیه «مجادله عقلی» و «احتجاج و اعتراض» و «پاسخگوخواستن خداوند» تضعیف می‌شود. به این نکته نیز باید توجه داشت که خداوند آنگاه مورد مواخذه عقلی واقع تواند شد که «عقل اخلاقی روشنفکری»، «عقل کل» فرض شود و حجت و اعتبار همه چیز حتی ظاهر و باطن وحی، مشروط به قبول آن تلقی شود. این اصالت‌رایی (rationalism) روشنفکرانه البته ابداع روشنفکری وطنی نیست و بلکه تکرار قول کانت است که فعل ابراهیم را غیراخلاقی دانسته است. ابن روشنفکری گرچه به ابن عربی با ملولوی استناد کند، صفی (یعنی نینیا مصطفی (ص)) را «شهسوار عقل غفل» نمی‌داند و بشر خودبندیا را «عقل کل» محسوب می‌کند، چه رسد به خداوند.

۲. گام دوم، تحلیل معنای جدال با خداست. روشنفکری بر آن است که با علم من‌عندی و «نور عقل طبیعی» می‌توان از در مجادله و بازخواست خدا برآمد، اما آیه معنای مجادله در قرآن نیز همین است؛ «فخراری گفته است جدال ابراهیم با فرشتگان بود نه با خدا، پس جرأت بر ساخت خدا رخ نداده است. ولی [این قول نیز توجیه کاملی نیست] چون فرشتگان فرستادگان الهی بودند و مجادله با آنها با خدا هم بود؛ یجادلنا فی قوم لوط (هود: ۷۴).

کدام مجادله با خدا چگونه ممکن است

نگاهی انتقادی به تفاسیر روشنفکران



و بخشش است. البته این جدال در مورد خائنین و دشمنان خدا که قضای الهی بر آنها حتمی شده، جایز نیست: وَ لَا تَجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَالُونَ أَنفُسُهُمْ (بقره: ۱۰۷).

مجادله در خدا کفر است، ولی مجادله با خدا لزوماً و حتماً «محاکمه» نیست (این مطلب را در ادامه توضیح خواهیم داد). مجادله ابراهیم توسل به رحمت در برابر غضب الهی است و گفتن «ماهکذا الظن بک» است نه «ماذا اراد الله بهذا...». بین این معنای عارفانه و نتیجه‌گیری روشنفکرانه فاصله بسیار است. در سوره مدثر (که سوره‌های صدور و شرفکری است) کسانی که در برابر خدا «ماذا» می‌گویند، مریض القلب یا کافر دانسته شده‌اند: وَ لَيَقُولُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ الْكَاْفِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا... (مدثر: ۳۱). پس چگونه می‌توان مجادله ابراهیم با خدا را اعتراض عقلی تفسیر کرد. به همین دلیل است که روشنفکران دینی تلاش می‌کنند تسلیم ابراهیم برابر یک امر فرائضی را تحریف کنند. البته تبیین توحیدی از مجادله انبیا آن را از معنای ظاهری اش تهی نمی‌کنند، در «تلاش برای تغییر فضای الهی» و ویژگی‌های جدال مانند «استفهام انکاری» و «پرسش خاص از کیفیت امر خدا» و «چانه‌زنی» و حتی «شرط نهادن» در این جدال به چشم می‌خورد! مجادله عبد می‌تواند حالت تهدید خدا را هم به خود بگیرد، اما این تهدید عاشقانه و دیلانه است، چنان که در مناجات شعبانیه می‌خوانیم که اگر من را با جرم مواخذه کنی، تو را با مغفرت مواخذه می‌کنم... اگر من را در جهنم بیندازی، به همه اعلام می‌کنم که دوستت دارم.

إِن أَخَذْتَنِي بِجُرْمِي أَخَذْتِكْ بِعُوقُوكْ وَإِن أَخَذْتَنِي بِذُنُوبِي أَخَذْتِكْ بِمَغْفِرَتِكْ وَإِن أَخَذْتَنِي السَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّي أَحْبَبْتُ. دعای کمیل هم یک مجادله عاشقانه با خداست که نشانه جدل در آن پیدا است: آیا مرا عذاب می‌کنی... چگونه... هیبتا... اَتْرَاكْ مَعْدِي بِنَارِكْ بَعْدَ تَوْحِيدِكْ... هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنِّي أَنْ تُضَيِّعَ مِنِّي رَيْهَاتَهُ... مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَ لَا أَخْرِيْنَا بِفَضْلِكَ عَنَّا... صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ كَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ... أَقْسَمُ صَادِقًا لَنْ تَرْكُنِي نَاطِقًا لِأَضْحَجُ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا صَاحِبِجِ الْأَمَلِينِ... أَقْتَرَاكْ سُبْحَانَكَ يَا أَلْهِمِي وَ بَحْسَدُكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتِ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجَنَ فِيهَا بِمَخَالَفَتِهِ... هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنِّي فَضْلِكَ وَ لَا مُشِيَةَ لِمَا عَمَلْتُ بِهِ الْمُوَحَّدِينَ مِن بَرِّكَ. اما با غلبه عقلانیت مدرن، تصویر عاشقانه و توحیدی از جدال با خدا در حجاب رفته است.

در روایات در تفسیر این آیه آمده است که ابراهیم (ع) بسیار دعا می‌کرد و نیز آمده که ابراهیم درباره قوم لوط با فرشتگان جدال کرد و جدال‌اش این بود که گفت: آخر در آن قوم جناب لوط هست و فرشتگان گفتند: نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا (عنکبوت: ۲۳).

جدال در صورتی مجاز است که قضای حتمی اتفاق نیفتاده است، پس دستور توقف جدال در زمان اعلام حتمی شدن امر الهی صادر شد.

جدال از موضوع جدال که طلب بخشش و شفاعت برای افراد است، ملاک جواز جدال با خدا، اخلاقی/غیراخلاقی بودن امر الهی نیست، بلکه حتمی یا غیرحتمی بودن آن امر است. این تفاوت ملاک، مساله را از نگرش روشنفکرانه به نگرش توحیدی تغییر می‌دهد. اینجا بود که دستور پایان دادن مجادله به ابراهیم اعلام شد: یا ابراهیم اَعْرَضْ عَنِ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَ آتَيْنَاهُمْ عَذَابًا غَيْرَ مَرْدُودٍ (هود: ۷۶).

جدال در خدا و در آیات خدا نشانه کفر است، ما یجادل فی آیات الله إلاّ الذّین کفروا (غافر: ۴) ولی جدال با خدا بر سر خود و افراد، طلب شفاعت



پی‌نوشت‌ها

۱. سخنرانی در باب قرآن و انجیل، جلسه هفتم، 1303833.irannews.ir/news/100383.2

صدای نخبگان، نگاه جوانان FARHIKHTEGAN WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان @farhikhtegandaily

آگهی فراخوان جذب نیروی انسانی دانشگاه دندانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در نظر دارد براساس مجوز شماره ۸۶/۱۷۰۷۴ معاونت علوم پزشکی سازمان مرکزی دانشگاه به‌شرح جدول ذیل به‌صورت قراردادی کار معین نیروی انسانی جذب نماید. لذا واجدین شرایط جهت ثبت‌نام و تحویل مدارک در وقت اداری از تاریخ ۹۹۰۴/۲۳ به مدت ۴ روز کاری (تا پایان وقت اداری مورخ ۹۹/۴/۲۴) به امور اداری دانشکده دندانپزشکی به آدرس: تبریز، سه‌راهی اهر، اول جاده باسنج، دانشکده دندانپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز مراجعه نمایند. در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۴۳۳۷۷۰۷۰۰ در وقت اداری تماس حاصل نمایید. شرایط عمومی: نداشتن منع استخدام-حداکثر سن ۳۰ سال (در رشته پرستاری حداکثر سن ۴۰ سال)-انجام خدمت دوره ضرورت یا معافیت قانونی برای آقایان -مقتضیان نیابستی با کارکنان و مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، بیمارستان امام‌سجاد(ع) و مراکز تابعه نسبت فامیلی داشته باشند. مدارک عمومی: اصل و کپی تمام صفحات شناسنامه-اصل و کپی کارت ملی-اصل و کپی کارت پایان خدمت یا معافیت برای آقایان-اصل و کپی مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر-یک قطعه عکس ۳۴-ارائه تعهدنامه کتبی مبنی بر عدم اشتغال در سایر سازمان‌ها، ادارات و نهادها در صورت قبولی در آزمون.

Table with 6 columns: ردیف, شرح شغل, جنسیت, تعداد (تقر), شرایط احراز. Rows include: 1. کارشناس پذیرش و اسناد پزشکی (زن/مرد), 2. کاردان پذیرش و اسناد پزشکی (زن/مرد), 3. پرستار (زن/مرد), 4. کاردان بهداشتکار دهان و دندان (زن/مرد), 5. کارشناس دندانسازی (زن/مرد), 6. کاردان دندانسازی (زن/مرد).

اداره کل روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز